

فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)

معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان

سال پنجاه و سوم، دوره جدید، سال نهم

شماره دوم (پیاپی 35)، پاییز 1396، صص 257-271

تاریخ وصول: 1395/09/07، تاریخ پذیرش: 1396/04/11

کارکردهای موقوفات زنان از مشروطه تا پایان دوره پهلوی اول (نمونه پژوهی: موقوفات زنان تهران)

الهام ملک‌زاده* - مرضیه افرافر**

چکیده

پژوهش حاضر کارکردهای موقوفات زنان از مشروطه تا پایان دوره پهلوی اول و به‌طور نمونه زنان واقف شهر تهران را بررسی می‌کند. پویایی وقف در دوران اسلامی، به رونق فرهنگ و اقتصاد و حتی حوزه‌های فرهنگی جامعه انجامید. پس از انقلاب مشروطه و دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی جامعه ایران، وقف نیز متحول شد و در مناسبات فرهنگی و اجتماعی، جایگاه جدیدی به دست آورد.

این پژوهش در پی آن است تا علاوه بر شناسایی کارکردهای موقوفات زنان از دوره مشروطه تا پایان دوران پهلوی اول، دریابد که موقوفات زنان تهران در این ادوار چه ویژگی‌هایی داشت و همچنین براساس اسناد موجود، چه حوزه‌هایی را دربرمی‌گرفت.

نتیجه حاصل از این پژوهش بیان‌کننده آن است که زنان واقف در دوره مشروطه و دوران پهلوی اول، از اصلی‌ترین کنشگران مؤثر بر تحولات اجتماعی بودند که موقوفاتشان در این دو بازه زمانی مختلف، تفاوت‌های معناداری داشت. بررسی اسناد موجود نشان می‌دهد که در این زمان، زنان مطابق با تغییرات جامعه پیش می‌رفتند. تحول در نوع نگرش، انگیزه‌های واقفان و مطالبات اجتماعی حاکم از علت‌های اصلی این تفاوت‌ها بود و در عرصه وقف، پایه‌گذار تحولاتی برای دوره‌های بعد شدند. به‌نظر می‌رسد که حداقل 20 درصد اسناد وقفی تهران در دوره مشروطه و پهلوی اول متعلق به زنان است؛ درعین حال با تغییرات دوره پهلوی اول، واقفان زن بنابه نیازهای اجتماعی، موقوفات خود را به‌تدریج در ابعاد اجتماعی متمرکز کردند. روش پژوهش توصیفی همراه با تجزیه و تحلیل داده‌ها و با تکیه بر اسناد به‌دست‌آمده است.

واژه‌های کلیدی: وقف، زنان واقف تهران، مشروطه، پهلوی اول، کارکرد موقوفات

* استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران، (نویسنده مسؤول) malekzadeh.elham092@gmail.com

** کارشناس ارشد گروه تاریخ، پژوهشکده علوم تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران victor_68@yahoo.com

مقدمه

در غرب، زنان تا سال 1900م/1278ش از نظر قانونی حقی نداشتند و اگر زن مالی را فراهم می‌کرد، متعلق به شوهرش بود (ویل دورانت، 1385: 150)؛ اما زنان ایران در ادوار تاریخی مختلف، در عرصه‌های متعدد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حضور مؤثر داشته‌اند. وقف در جایگاه نهادی اجتماعی و مدنی، یکی از عرصه‌هایی بود که زنان از دیرباز در آن نقش بسیار مهم و کلیدی داشتند و اکنون نیز دارند. با توجه به این مسئله که وقف نهادی اجتماعی است، در کشورهای مختلف چارچوب‌های قانونی متفاوت و متناسب با فرهنگ آن کشور و سرچشمه گرفته از مبانی قانونی آنها، ضوابط و احکام این رفتار اجتماعی را مشخص می‌کند (Heap and others, 2016: 5).

در این پژوهش¹ تلاش شده است به زنان واقف ایران و موقوفات آنان در زمان مشروطه و پهلوی اول توجه شود، آن هم به علت تحولاتی که در این دوران رخ داد؛ همچنین به علت پایتخت‌بودن تهران در این بازه زمانی، مکان در این پژوهش شهر تهران در نظر گرفته شده است. در دوره زمانی موضوع بررسی، زنان از طبقات و قشرهای مختلف جامعه و در بخش‌های گوناگون و متناسب با نیاز زمان، با وقف بخشی از اموال و دارایی خود، در جامعه مشارکت فعال داشتند. وقف زنان کارکردهای متنوعی داشت؛ بنابراین در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی نقش مهمی ایفا کرد. با وجود تعدد موقوفات مربوط به زنان در کشور، این موقوفات کمتر به صورت علمی شناسایی و بررسی شده‌اند. بخش وسیعی از موقوفات زنان خاص عزاداری ائمه اطهار و به خصوص امام حسین(ع) است (شاطری، 1387: 79 و 80)؛ اما همانند سایر موقوفات، مصارف موقوفات زنان نیز متعدد و متنوع

است. از مسجد، پل، حمام، تکیه، آب‌انبار و اشجار موقوفه تا درمانگاه، بیمارستان، کتابخانه و مدرسه همگی پدیده‌های جغرافیایی اند که در ارتباط با بینش و فرهنگ اسلامی و ملی، هر کدام کارکردی مثبت در جامعه دارند.

در طول تاریخ، ساخت مدارس و تأمین هزینه اداره آنها از مسائل بسیار مهم در کانون توجه واقفان بوده است. در آغاز اسلام و تا سال‌ها پس از آن، مکان تعلیم و تعلم در نزد مسلمانان مساجد و منازل بود و مدرسه به معنی امروزی آن وجود نداشت. بعدها باهدف تعلیم و تربیت اطفال، جنب مساجد مکتب‌هایی به وجود آمد که آن را «کتاب» می‌نامیدند. کتاب یعنی شاگردان مکتب که به طور مجاز به مکتب نیز اطلاق شده است (احمدبن سلمان، 1358: 25)؛ برای مثال در کشور چین که از کشورهای پیشتاز در زمینه وقف است، مسلمانان یعنی مهم‌ترین گروه‌های وقف‌کننده در این کشور، در گذشته بیشتر وقف‌های خود را به ایجاد مساجد تخصیص می‌دادند² (Song and others, 2016: 3).

بررسی تاریخی‌چق وقف در اسلام نشان می‌دهد که در طول دوره‌های تاریخی، واقفان متعدد املاکی را بر مدارس علوم دینی وقف می‌کردند؛ به گونه‌ای که مدارس مهمی همچون مدارس نظامیه در بغداد، مدرسه بیهقیه و سعیدیه در نیشابور و مدرسه الفاضلیه در قاهره که از مدارس مهم و معتبر جهان اسلام بودند و در ترویج فرهنگ و علوم اسلامی در جهان اسلام نقش مؤثری ایفا کرده‌اند که به کمک درآمد موقوفات اداره می‌شدند (ساعاتی، 1374: 20 و 21).

درباره زنان واقف تهران در دوره مدنظر، تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است که حاوی اطلاعات مستقیمی در این زمینه باشد؛ با این حال در برخی آثار، اطلاعات پراکنده‌ای در حوزه زنان، وقف و شهر تهران

بیست و پنج هزار رقبه در نقاط مختلف کشور از زنان خیر به یادگار مانده است. این آمار دربرگیرنده موقوفاتی است که تاکنون شناسایی و ثبت شده است و به طور حتم، تعداد واقعی بیش از اینهاست (خسروی، 1374: 4). به صورت دقیق تر باید گفت که در شهر تهران از 2042 سند وقفی، 328 سند متعلق به دوره مشروطه است. از این تعداد، 77 نمونه آن به زنان مربوط می شود که وقف آنها را یا خود این زنان به صورت مستقیم انجام داده اند یا براساس وصیت یا به صورت چندنفره یا توسط فردی دیگر اما به وصیت یک زن انجام شده است. در واقع، 23 درصد اسناد وقفی تهران در دوره مشروطه مربوط به زنان است. همچنین 178 سند وقفی مربوط به 16 سال حکومت رضاشاه است که 47 نمونه آن را زنان انجام داده اند؛ به دیگر سخن، 26 درصد وقف های زمان پهلوی اول مربوط به زنان است. در مجموع، از 506 سند مربوط به سال 1285 تا 1320 ش/1906 تا 1941 م، تعداد 124 سند یا به عبارتی 24 درصد، متعلق به زنان این دوره است. با توجه به اینکه در این دوران هنوز استقلال مالی زنان تثبیت نشده بود و آنها به صورت چشمگیر به عرصه های اجتماعی وارد نشده بودند، رقم درخور توجهی به شمار می آید. ناگفته نماند که واقفان 17 سند از دوره مشروطه و 11 سند از دوره پهلوی اول نامعلوم هستند که ممکن است از این تعداد بخشی نیز به زنان تعلق داشته باشد. بنابراین چنین تصور می شود که موقوفه های زنان در این بازه زمانی، بیشتر از آن تعدادی باشد که گفته شد.³

موقوفات زنان تهران و کارکردهای اجتماعی آن

عرصه وقف از عرصه هایی است که نقش زنان در آن بسیار پررنگ بوده است؛ اما کمتر به آن توجه شده

وجود دارد؛ از جمله پایان نامه «نهادهای خیریه و وقفی علی آباد کتول در عهد قاجار و پهلوی» که در آن به مسائلی از این قبیل اشاره شده است: شناسایی موقعیت جغرافیایی، قومیت ها، وابستگی موقوفات با یکدیگر، کارکردهای متنوع وقف و امور خیریه، مشکلات موجود و راه حل هایی برای استفاده بهینه با تکیه بر وقف نامه ها، نوع موقوفات، تعداد و درآمد آنها در ادوار مختلف، درصد افراد باسواد و ارتباط آنها با موقوفات و امور خیریه و همچنین نوع موقوفات در دوره قاجار و پهلوی (بهرآبادی، 1391).

پایان نامه دیگری با عنوان «کارکرد نهاد وقف در استان کرمانشاه در دوره قاجار» نیز نهاد وقف و کارکردهای اجتماعی و فرهنگی آن در استان کرمانشاه (کنگاور، سنقر، صحنه، هرسین) را بررسی کرده است (دارایی نیا، 1388).

کتاب «مؤسسات خیریه رفاهی-بهداشتی در دوره رضاشاه» (ملک زاده، 1392) نیز عوامل مؤثر و نحوه تکوین مؤسسات خیریه رفاهی بهداشتی دوره رضاشاه را بررسی کرده است.

مقاله «زنان واقف در تهران عهد قاجار» نیز بدون ارائه اطلاعات مدونی از عملکرد واقفان زن، برخی از زنان واقف را در تهران عصر قاجار معرفی کرده است (ورنر، 1378).

زنان واقف تهران در دوره مشروطه و پهلوی اول

در فهرست راهنمای وقف نامه های استان تهران که بیشتر مربوط به دوران قاجار است، 1160 مدخل وجود دارد که نزدیک به 170 مدخل آن، یعنی 15 درصد، به نام زنان ثبت شده است (مطبعه چپی، 1387: 663 تا 665).

طبق آماري که سازمان اوقاف و امور خیریه منتشر کرده است، بیش از چهل هزار موقوفه شامل

و به کار بستن آنها و به منظور تشریح مفصل کارکردهای موقوفات زنان در دوره مشروطه و پهلوی اول، موقوفات تهران بررسی می‌شود.

کارکردهای موقوفات زنان تهران در دوره مشروطه به اموری همچون عزاداری، خیرات و مبرات، مخارج اطعام در حسینیه و مسجد و تکیه، وقف برای امامزاده، مخارج مقبره فرد مذکور، وقف بر اولاد و موقوفات صورت گرفته توسط اقلیت‌های مذهبی مربوط می‌شدند که در ادامه تشریح و تحلیل می‌شوند.

موقوفات زنان تهران در دوره مشروطه

عزاداری: در اکثر وقف‌نامه‌های دوره مشروطه درصد چشمگیری از مصارف برای اقامه عزاداری ائمه اطهار و به خصوص امام حسین (ع) اختصاص یافته است که به طور تقریبی، این وضعیت در تمامی موقوفات کشور مشاهده می‌شود (شاطری، 1387: 88). این امر از اهتمام زنان به جریان عاشورای حسینی و تلاش در راستای احیای مفاهیم دینی این واقعه عظیم حامی است. نمونه آن وقف «حلیمه‌خاتون دختر فتح‌الله» در سال 1336 ق/ 1917 م است. حلیمه‌خاتون یک دانگ از باغ موروثی پدری واقع و کائن در محله اندرمانی‌ها در شهری را برای تعزیه‌داری وقف کرد (سند شماره 1، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده 700). در برخی اسناد بررسی شده، اصطلاح روضه‌خوانی به جای تعزیه‌داری آمده است که آشکارا نحوه مصرف وقف را نشان می‌دهد. این نوع وقف در عمل به معنای پرداخت دستمزد روضه‌خوان‌ها و نیز فراهم آوردن قهوه، آب و غذای مجانی برای جمعیت شرکت‌کننده در مراسم عزاداری است. وقف‌نامه «ام‌لیلاخانم دختر ولی محمد کنی کربلایی» نمونه‌ای از این دست است. در این وقف‌نامه قید شده است که مخارج روضه‌خوانی

است (شاطری، 1387: 84). در این بخش از پژوهش، تلاش شده است تا در اسناد وقفی زنان در دوره‌های مربوط کنکاشی شود و سهم زنان در این امر مشخص شود؛ همچنین براساس اسناد مربوط، به کارکردهای اجتماعی موقوفات زنان در محدوده شهر تهران نگاهی شود.

هریک از نهادها و مراکز وقف‌شده، در شکل‌گیری نظام فکری و علمی جامعه نقش حائز اهمیتی داشته‌اند (امیدیانی، 1385: 50). موقوفات زنان هم کارکردهای گوناگونی داشته‌اند؛ در واقع، بررسی مصارف موقوفات زنان بیان‌کننده تعدد مصارف آن در طول دوره زمانی موضوع بررسی است.

در وقف‌نامه‌های مربوط به زنان، انواع موقوفات و رقبات خانه، دکان، املاک، عمارت، باغ تا زمین مزروعی، نهر و حق‌الشرب، حمام، اموال منقول و... را شامل می‌شد.

نکته مهم آنکه در بسیاری از وقف‌نامه‌ها علاوه بر کارکرد اصلی مصرف موقوفات، اغلب کارکردهای دیگری را نیز ذکر کرده‌اند؛ یا درآمد موقوفه خود را به چند سهم تقسیم کرده‌اند و برای هر سهم مصرفی را در نظر گرفته‌اند. در واقع، بعضی از موقوفه‌ها برای هدفی معین و بعضی دیگر برای اجرای چند هدف وقف شده‌اند؛ به عبارت دیگر، از درآمدهای موقوفه استفاده چندمنظوره می‌کرده‌اند (شاه‌حسینی، 1390: 12 و 13).

بسیاری از وقف‌نامه‌ها نه یک نفر که دارای چند واقف هستند و وقف‌نامه‌هایی نیز بنابه وصیت یک زن انجام شده است که در این پژوهش بررسی می‌شوند. در بسیاری از وقف‌نامه‌ها، حق‌التولیه و حق‌النظاره یکی از مصارف موقوفه است که در این پژوهش از ذکر آن در قالب کارکردی جداگانه خودداری شده است. برای روشن شدن نوع موقوفه و شرایط مربوط به نحوه اداره

تعزیه‌داری خامس آل‌عباد(ع) وقف کرده است (سند شماره 5، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده 2287). دیگری سندی که براساس آن در شعبان 8/1342/مارس 1924، چند بانوی واقف به نام‌های خورده‌خانم، عذرا، علیا، فاطمه، مرضیه و نبات املاک بازار کلایه ولات طالقان در ساوجبلاغ را برای همه شیعیان عزای خامس آل‌کساء(ع)، از ذاکران و مستمعان، وقف کرده اند (سند شماره 6، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده 2267).

همچنین دو سند مربوط به عزاداری در شب‌های قدر است: یکی وقف‌نامه‌ای که محمداسماعیل افجه‌ای برحسب وصیت مادرش «خانم‌جانی» در 5 جمادی‌الثانی 1326 ق/ 5 جولای 1908 انجام داده است و در آن ذکر کرده است که همه ساله منافع عین موقوفه را در لیالی قدر صرف روضه‌خوانی و اطعام مومنان کنند (سند شماره 7، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده 2802)؛ دیگری وقف‌نامه‌ای است که علاوه بر روضه‌خوانی و افطار در سه شب احیاء، روضه‌خوانی و اطعام دهه عاشورا را نیز شامل می‌شود. بقیه اسناد زنان در حوزه عزاداری دوره مشروطه، یعنی حدود 95 درصد اسناد، همگی مربوط به عزاداری امام حسین (ع) در دهه عاشورا یا ایام محرم و صفر است.

. خیرات و مبرات: فقر یکی از موانع عمده پیشرفت و سعادت انسان و به‌فعلیت رسیدن قوه‌ها و استعدادهاست. یکی از جاهایی که وقف قادر است به‌طور فعال وارد عمل شود و موانع سعادت و به‌فعلیت رسیدن استعدادها را برطرف کند، در زمان فقر است (سلیمی فر، 1370: 144). در دوره مدنظر، وقف زنان برای فقرا و مسکین ها و در کارکرد خیرات و مبرات به‌خوبی مشهود است. نمونه آن وقف «حاجیه‌الفت‌خانم دختر میرزا محمدحسن خان سیستانی»

شامل اطعام‌دادن، قلیان، قهوه، اجرت روضه‌خوان و غیره است؛ این وقف در 8 صفر 1337/ 13 نوامبر 1918 صورت گرفته است (سند شماره 2، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده 2855).

در بین سندهای زنان واقف مشروطه با کارکرد عزاداری، دو سند با عنوان «حبس» آمده است. باتوجه به اینکه در وقف «دوام» شرط است، حبس مدت مشخصی است؛ ضمن اینکه در وقف ملک از مالکیت خارج می‌شود؛ اما در حبس این‌گونه نیست. سند اول مربوط به ربیع‌الثانی 1341/ نوامبر 1922 است که در آن «ساره‌خانم دختر میرزا قاسم»، دو من ری زمین واقع در کلاک لواسان را برای تعزیه‌داری، حبس 50 ساله کرده است (سند شماره 3، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده 136).

در سند دوم بنابر وصیت مونس آغا، حاج‌علی‌آقا پسر حاج‌محمدعلی، مشهور به بزرگ، براساس وصیت مادرش دو دانگ قریه کریم‌آباد در قریه بلوک غار و دو دانگ دیگر از بابت ثلث موصی، هر دو از قریه‌های شهرری، را حبس 99 ساله کرده است. این وقف که در 2 شوال 1333/ 13 آگوست 1915 نوشته شده است، علاوه بر تعزیه‌داری در خانه روبه‌روی درب آهنی صحن حضرت امامزاده حمزه، خیرات و مبرات را هم ذکر کرده است. در واقع، وقف چند کارکردی است (سند شماره 4، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده 2410).

در بین وقف‌نامه‌های زنان مربوط به عزاداری در دوره مشروطه، دو سند مربوط به عزای خامس آل‌کساء است. یکی سندی که «مرضیه‌خانم همسر حاج‌محمدتقی» در سال 1329 ق/ 1911 م، سه دانگ قطعه شمالی از شش دانگ باغ سبزیکاری در محله شاه‌غلامان، از محله زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم، را برای فقراء و ایتام و ابناءالسبیل و همچنین

واقعه در طرف جنوب مسجد میانده واقع در کن و طرف غربی تکیه میانده و همچنین سه دانگ مشاع از شش دانگ یک باب قهوه‌خانه واقع در محله میانده، برای اطعام مسلمانان در تکیه محله میانده وقف شده است (سند شماره 10، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده 2875).

. مخارج مقبره فرد مذکور: در برخی وقف‌نامه‌های زنان تهران در دوره مشروطه، نام فرد مدنظر واقف ذکر شده است و وقف برای مقبره او تعیین شده است؛ برای نمونه «کوکب درّی زوجه نائباتولیه»⁴، در 24 ذیحجه 1337/20 سپتامبر 1919 دو سهم شایع از کل سی و پنج سهم یک باب کاروان‌سرای کاشی‌ها واقع در میان بازار بزرگ را برای مخارج مقبره اشرف‌السلطنه، زوجه سابق نائباتولیه، وقف کرده است (سند شماره 11، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده 114).

. وقف بر اولاد: وقف بر اولاد از دیگر نمونه‌های موقوفات زنان تهران در این دوره است. به‌طور کلی، تفاوت وقف بر اولاد با به‌میراث گذاشتن ملک یا بخشیدن آن برای فرزند در آن است که به ملک و دارایی نوعی تقدس داده می‌شود که تاحدی ممکن است آن را از دستبرد دیگران و حتی از مصادره دولت مصون نگه دارد. در این صورت، عین ملک به‌صورت وقف باقی می‌ماند و فرزند در حکم موقوف‌علیه از منافع آن بهره‌مند می‌شود و عین ملک نیز از تکه‌تکه شدن و تقسیم میان وارثان محفوظ می‌ماند. در دوره مشروطه، «پاشاخانم متعلقه سهراب‌خان نقدی» در تاریخ 26 جمادى الاولى 1325/1907م، شش دانگ قریه ابراهیم‌آباد و چهار دانگ از شش دانگ قریه کردزار واقع در شهریار را وقف اولاد ذکور کرده است (سند شماره 12، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده 239).

است که چهار دانگ کاروان‌سرای واقع در چهارراه حسن‌آباد به‌انضمام چهار دانگ از دوازده درب دکان و قهوه‌خانه متصل به کاروان‌سرای مزبور را که از جنوب به خیابان باغ‌شاه و دروازه قزوین می‌رسید و از شرق به کوچه مریضخانه دولتی منتهی می‌شد، در 7 جمادى الاولى 1339/17 ژانویه 1921 وقف خیرات و مبرات کرد (سند شماره 8، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده 634).

برخی نیز برای صرف عایدات وقف در امور خیریه مختلف پیشنهادهایی داده‌اند؛ برای مثال «حاجیه‌شاه جهان‌خانم معروف به عقیف‌الدوله دختر میرزا مصطفی وکیل لشکر» این‌گونه وقف کرده است که بعد از نیم عشر که حق متولی است، منافع را دو قسمت کنند: یک قسمت را در تهران صرف تعزیه‌داری کنند؛ مانند اطعام مجلس تعزیه، چای، قلیان، ابتیاع آلات و اسباب تعزیه‌داری و اجرت روضه‌خوان و قسمت دیگر را در مطلق خیرات. سپس مشخص کرده است که مطلق خیرات از سادات و طلاب و تزویج کردن برای عزاب سادات و طلاب و زوار قبور ائمه کرام و کفن و دفن فقرا اموات و غیره از قبیل وقف کتب علمیه است. این وقف در 20 جمادى الاولى 1326/20 ژوئن 1908 صورت گرفته است (سند شماره 9، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده 966).

. مخارج اطعام در حسینیه و مسجد و تکیه: وقف مخارج اطعام، طعام عاشورا و عزاداران و همچنین اطعام صائمان را شامل می‌شد؛ مثل وقف «حلیمه‌خاتون‌خان زوجه ابوالقاسم کربلایی و برادرش مشهدی میرزا محمود». این وقف بر اساس وصیت پدر این خواهر و برادر، یعنی «مشهدی علی‌ابن اسدالله کنی»، در 10 ربیع‌المولود 1325/23 آوریل 1907 صورت گرفت. در این وقف‌نامه، شش دانگ یک باب دکه

مشروطه را باید به این صورت به نمایش گذاشت:

کارکردها و مصارف وقف زنان در دوره مشروطه			
شماره	مصرف وقف	تعداد وقف	درصد
1	عزاداری/روضه خوانی/تعزیه داری	63	81/81
2	خیرات و مبرات	22	28/57
3	مخارج اطعام در مسجد/تکیه/حسینیه	4	5/19
4	مخارج مقبره فرد مذکور	2	2/59
5	وقف برای اولاد	2	2/59
6	وقف درمانی	0	0
7	وقف برای امامزاده	1	1/29
8	وقف آموزشی	0	0
9	اقلیت‌های مذهبی	1	1/29
10	واعظ	0	0
11	ساخت قبرستان	0	0

(برگرفته از آمار موقوفات موجود در سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران).⁵

موقوفات زنان تهران در دوره پهلوی اول

کارکردهای موقوفات زنان تهران در دوره پهلوی اول نیز به اموری همچون عزاداری، خیرات و مبرات، مخارج اطعام در حسینیه و مسجد و تکیه، مخارج مقبره فرد مذکور، وقف بر اولاد، موقوفات درمانی، وقف برای امامزاده، موقوفات آموزشی، موقوفات بر وعظ و واعظ و ساخت قبرستان مربوط می‌شده است که در ادامه تشریح و تحلیل می‌شوند.

عزاداری: در دوره پهلوی اول، وقف با کارکرد عزاداری مانند سابق ادامه پیدا کرد (شاطری، 1387: 94)؛ حتی تک‌کارکردبودن یا چندکارکردبودن وقف عزاداری در هر دو دوره یکسان بود. به نظر می‌رسد حدود سه‌چهارم وقف‌های مربوط به عزاداری در هر دو دوره تک‌کارکرد بود و یک‌چهارم نیز چندکارکرد بود؛ اما این نکته مهم وجود دارد که در دوره پهلوی اول، تعداد وقف بانوان برای عزاداری کمتر از زمان

. وقف برای امامزاده: در امتداد باورهای رایج جامعه ایران در دوره قاجار و بازه زمانی پس از انقلاب مشروطه، به واسطه توجه ویژه به مناسک و مراسم شیعی، به آنچه مظهر تشیع محسوب می‌شد نیز توجه می‌کردند؛ از جمله تعمیر و مرمت مزار امامان و امامزادگان. از این رو موقوفاتی بر این اماکن وقف می‌شد تا درآمد آنها علاوه بر تأمین هزینه مرمت و نگهداری بنا، دیگر مخارج این اماکن مقدس را مانند فرش، روشنایی، بوی خوش و حتی اطعام زائران فراهم آورد؛ نمونه آن موقوفه «شهربانوخانم دختر کربلایی نقی» است که در رمضان 1335 ق/21 ژوئن 1917، یعنی دوره پس از استقرار نظام مشروطه، به همین منظور وقف شده است. طبق این سند، یک قطعه باغ جنب عمارت مشهدی ذبیح‌الله و یک قطعه زمین مشهور به باغ میان در آغشت واقع در ساوجبلاغ، برای تعزیه‌داری از اول محرم تا آخر صفر و چهار اصله درخت صنوبر برای صرف امامزاده بی‌بی وقف شده است (سند شماره 13، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده 90).

اقلیت‌های مذهبی: در بین اسناد زنان واقف در دوره مشروطه، سندهای زنان وابسته به ادیان دیگر هم موجود است؛ از جمله سندهای دردسترس، سندی است مربوط به «فیروزه دختر خسرو نقی پاریسی»، از زرتشتیان تهران که شش دانگ یک باب خانه را برای انجام مراسم مخصوص زردشتی وقف کرده است. این وقف که در تاریخ 10 ربیع‌الثانی 1335/1917 م صورت گرفته است، از توجه زنان سایر ادیان در این دوره به امر وقف نشان دارد (سند شماره 14، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده 258). به طور کلی، کارکردها و مصارف موقوفات زنان تهران در دوره

نیز وجود دارد که به عزاداری برای حضرت فاطمه (س) اختصاص داشته است. در این سند، «صغری خانم دختر حاج سیدعلی فرش‌فروش کاشانی»، خانه‌ای را در خیابان ارامنه برای اطعام و افطاری در سه شب احیای رمضان و برای روضه حضرت فاطمه (س) به مدت ده روز در هر سال وقف کرده است (سند شماره 18، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده 2232).

. خیرات و میرات: نکته‌ای که در زمینه وقف خیرات و میرات دوره پهلوی اول دیده می‌شود آن است که برخی از موضوعات وقف مثل تزویج کردن افراد مجرد سادات و طلاب و... که در دوره گذشته رایج بود، در این دوره به امور عام‌المنفعه دیگری مثل رسیدگی به ایتم اختصاص یافت؛ برای مثال در وقفی که برحسب وصیت «مولود محقق‌الملوک نورعلیان مشهور به محترم‌السلطنه» انجام شده است، شش دانگ یک باب عمارت مشتمل بر بیرونی و اندرونی و طویله و دو باب حمام متصل به هم یکی آباد و دیگری مخروبه به انضمام دو دانگ مشاع از شش دانگ یک باب خانه پلاک 3150 واقع در بخش 9 واقع در شمیرانات، به مصرف خیرات و میرات از قبیل مصارف ایتم و معارف و سایر میرات به نظر اداره کل اوقاف رسیده است. این وقف به تاریخ 3 دی 1319/24 دسامبر 1940 مربوط است و محمدحاج‌خان محمدی برحسب وصیت محترم‌السلطنه این وقف را انجام داده است (سند شماره 19، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده 470).

فراوان بودن مقدار موقوفه‌ها از تعلق داشتن واقف به طبقات مرفه جامعه نشان دارد و این خود از نام واقفان مشخص است. در بسیاری مواقع نیز موضوع وقف به صورت بسیار کلی (مطلق خیرات و میرات) و بدون بیان چگونگی خرج عواید برای این منظور بیان شده

مشروطه بود. شاید به این علت که با حرکت جامعه به سمت مدرنیته، در زمینه وقف نیز زنان به حوزه‌هایی توجه کردند که محصول مدرنیته و نیازهای جدید بود؛ یا تحت تأثیر محدودیت‌های حکومت، وقف در حوزه‌های دردرساز، مانند وقف برای عزاداری‌های ایام محرم و مانند آن، در اولویت فعالیت‌های آنها قرار نگرفت. با وجود این، سبک وقف عزاداری مانند گذشته ادامه پیدا کرد و وقف برای امام حسین (ع) در دهه عاشورا یا ایام محرم و صفر، همچنان بیشترین درصد، حدود 92 درصد، وقف برای عزاداری را شامل می‌شد.

از نمونه‌های وقف زنان در این دوره، وقف «فاطمه خانم مظفر قاجار معروف به اقدس‌الدوله بنت مظفرالدین‌شاه» است. او که دختر شاه بوده است و به طبقه اشراف جامعه تعلق داشته است، یک خروار ملک در قریه چنیز واقع در شمیرانات را برای تعزیه‌داری در تکیه چنیز وقف کرده است (سند شماره 15، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده 475). این وقف در تاریخ 2 آذر 1312/23 نوامبر 1933 صورت گرفته است.

در بین اسناد موقوفات زنان در دوره رضاشاه، وقف‌نامه‌ای مربوط به خامس آل‌عباس است و آن وقفی است که چند خواهر و برادر در شمیرانات انجام داده‌اند (سند شماره 16، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده 186). آنها موقوفه را برای روضه‌خوانی و برگزاری مجلس ذکر خامس آل‌عبا در ایام سوگواری و اطعام فقرا و تهیه لباس برای اطفال بی‌بضاعت وقف کرده‌اند. همان‌طور که در سند آمده است، این وقفی با چند کارکرد بوده است که علاوه بر عزاداری، کارکردهای دیگری را نیز شامل می‌شده است (سند شماره 17، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده 186).

البته در بین وقف‌نامه‌های زنان دوره پهلوی، سندی

«اشرفالملوک مجدی» که به دوره پهلوی اول متعلق است و واقف آن، اشرفالملوک مجدی مشهور به فخرالدوله، دختر مظفرالدین شاه قاجار بوده است. فخرالدوله شش باب حجره تحتانی و شش باب بالاخان‌ها را در ناحیه هشت بازار جنب دالان مسقط‌فروشان، مشهور به دالان زرتشتی‌ها، برای مخارج مقبره میرزا محمدخان مجدالملک در زاویه عبدالعظیم وقف کرده است. این وقف در تاریخ 31 اردیبهشت 1311/1930 م انجام شده است (سند شماره 22، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده 2205). با توجه به موقعیت اجتماعی واقفان این نوع وقف، این کارکرد برای وقف آنها طبیعی به نظر می‌آید.

. وقف بر اولاد: اغلب موقوفه «اولادی» با موقوفه «غلامی»⁶ مترادف بوده است. در واقع، منظور از فرزند اغلب فرزند پسر بوده است (سالک، 1372: 42)؛ اما نکته جالب توجه سندی است که از دوره پهلوی اول، 26 جمادی‌الآخری 1344/11 ژانویه 1926، در دست است و در آن، «خدیدجه سلطان‌خانم دختر محمدخان بیگلربیگی» دو دانگ باغ وزیر نظامی در قریه دربند واقع در شمیرانات را بر اولاد ذکور آقاسیدابوطالب دربندی وقف کرده است و یک دانگ را نیز بر اولاد اناث و اناث از ذکور آن مرحوم وقف کرده است (سند شماره 23، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه، شماره پرونده 45). در واقع در این سند، وقف بر فرزندان اناث نیز شده است و واقف به صراحت، از «وقف بر اولاد اناث» نام برده است و این خود گواهی بر روند تغییرات فکری و اجتماعی صورت گرفته در این دوره است.

. موقوفات درمانی: وقف با کارکرد درمانی از جمله وقف‌های مهمی است که بیشتر در این دوره و با هدف اقدامی عام‌المنفعه در جهت رفع مشکلات بهداشتی و درمانی، در قالبی نوین و مدرن به آن توجه شده است.

است؛ نمونه آن سندی است که در آن خانم عینکچی در سال 1317 ش/1938 م، موقوفه خود را صرف خیرات و مبرات کرده است (سند شماره 20، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده 257).

نیازهای روز یا کمبودهای موجود در جامعه که در تغییرات اجتماعی حاصل شد، آرام آرام تغییر دید برخی واقفان را باعث شد و از این دوره به بعد، واقفان نه با ذکر موضوع وقف بلکه با واگذاری اختیار به متولی، عواید حاصل از وقف و موقوفه را به کارهای عام‌المنفعه یا همان خیرات و مبرات اختصاص می‌دادند. به عبارتی دیگر، براساس آنچه در وقف‌نامه‌ها آمده است، خیرات و مبرات برخی یا همه نمونه‌های زیر را شامل می‌شد:

تعمیر حمام، مسجد، قنات، معابر؛ اعانت به فقرا، مساکین و ابن‌السبیل؛ اطعام و تجهیز متوفی؛ انفاق بر زائران و سایر مصارف.

. مخارج اطعام در حسینیه و مسجد و تکیه: وقف با کارکرد مخارج اطعام در زمان پهلوی اول نیز وجود داشته است. نمونه آن وقفی است که «هاجر خواتون (مشهدی) دختر غلام‌علانی» در این 27 محرم 1353/1935 م انجام داده است. در این وقف‌نامه، منافع چهار من ری بذرافشان در صحرای قریه‌علانین لواسان واقع در لواسانات، برای طعام عاشورا در حسینیه قریه‌علانین وقف شده است (سند شماره 21، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه، شماره پرونده 953).

. مخارج مقبره فرد مذکور: در دوره پهلوی اول، حیطة فعالیت زنان در زمینه وقف با کارکرد مخارج مقبره فرد مذکور بیشتر شده است؛ اما آنچه مسلم است، واقفان این نوع وقف همگی به طبقات مرفه جامعه تعلق داشته‌اند و این امر از نام واقفان و موقوفه‌های آنان تشخیص داده می‌شود؛ برای مثال، وقف‌نامه

کرده است. تاریخ این وقف‌نامه 5 آبان 1307/27 اکتبر 1928 است (سند شماره 24، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده 585). در اول مهرماه 1309/23 سپتامبر 1930، نجم‌السلطنه بار دیگر موقوفاتی بر بیماران این مرکز و امور دیگر تخصیص داده است (سند شماره 24، رونوشت وقف‌نامه در حاشیه وقف‌نامه اول، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده 585). وقف‌نامه دیگری در این پرونده موجود است. این وقف‌نامه رونوشت وزارت دادگستری از سندی است که در تاریخ 1315 ش/1936 م، در دفترخانه رسمی تنظیم شده است. محمد مصدق با این سند، سهامی از قریه مال میر اراک را برای خواهر و خیرات مادرش و نیز بیمارستان نجمیه وقف کرده است و تولیت و نظارت آن را به اولاد ذکورش واگذار کرده است (سند شماره 25، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده 585). وقف‌نامه «ماه‌پاره‌خانم و همسرش» نیز از جمله وقف‌های با کارکرد درمانی در دوره پهلوی اول بوده است که براساس آن این خانم همراه با همسرش «حاج صدرالله‌خان یاور ربیعی‌نژاد» در تاریخ 8 اسفند 1311/27 فوریه 1933، دو باب عمارت در ناحیه ده‌شهر نو در خیابان جمشید و کاروانسرای صدرآباد در ناحیه 4 سنگلج نزدیک خیابان شاهپور مشهور به فرمانفرما، به‌انضمام چهار باب دکان در ناحیه یک ارگ خیابان باب همایون وصل به قورخانه آتش‌بازی را در قالب مریضخانه صدریه نسوان وقف کرده است که بیماری‌های زنان و فقرای زن در آنجا معالجه می‌شده است (سند شماره 26، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده 821).

وقف برای امامزاده: همانند دوره مشروطه، در دوران حکومت پهلوی اول نیز نمونه‌هایی از وقف بر امامزاده وجود داشته است. وقف‌نامه‌ای از دوره پهلوی اول و

تحولات فکری و مطالبات جدید جامعه در دوران مشروطه از یک‌سو و تغییرات ایدئولوژیک نظام حکومتی پهلوی اول با برنامه تحول اساسی در نوسازی کشور از سوی دیگر، در به‌وجود آمدن این‌گونه موقوفات تأثیر درخور توجهی داشته است. طی این ادوار موقوفات درمانی چندانی ظهور نیافته است؛ اما همان تعداد اندک، پیشگام این حوزه از فعالیت‌های عام‌المنفعه و وقف با محورهای مدرن در دوره بعد شده است. چنان که در دوره پهلوی دوم و در مقایسه با ادوار گذشته، میزان نقش‌آفرینی زنان واقف‌اندکی کاهش نشان می‌دهد؛ اما همان موقوفات معدود این دوره، بیشتر در حوزه وقف درمانی بوده است. به‌عبارتی دقیق‌تر، در دوره پهلوی دوم، عمده اقدامات وقفی زنان به وقف درمانی تعلق داشته است.

ملک‌تاج‌خانم ملقب به نجم‌السلطنه، یکی از دختران فیروزمیرزا پسر عباس میرزا نایب‌السلطنه، از جمله واقفان زن در دوره پهلوی اول بوده است. در سال 1307 ش/1928 م، نجم‌السلطنه به فکر احداث مریضخانه‌ای در باغی در ضلع غربی خیابان یوسف‌آباد افتاد و به دنبال آن، در 16 آذر 1308 ش/7 دسامبر 1929 بیمارستان نجمیه را افتتاح کرد. بیمارستان نجمیه اولین بیمارستان خصوصی تهران بود که نجم‌السلطنه نیمی از تخت‌های آن را وقف بیماران مستمند کرد (اتحادیه، 1388: 23 تا 27).

در وقف‌نامه اول، نجم‌السلطنه موقوفات بسیاری را باعنوان مریضخانه نجمیه بر عموم مرضای مملکت وقف کرده است. مشروط بر آنکه متولی تومانی یک قران آن را برای تعمیرات عمده اساسی، در بانک معتبری محفوظ کند؛ همچنین براساس مندرجات این سند، نجم‌السلطنه املاکی را در داخل و خارج شهر برای مصارف این مرکز و بیماران ضمیمه کرده است و تولیت و نظارت آن را به خود و خانواده‌اش واگذار

(سند شماره 29، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده 2231).

واقف آن نیز شاهزاده‌ای از خاندان‌های صاحب‌نام بازمانده از دوران قاجار و متعلق به طبقات مرفه جامعه بوده است. براین اساس به نظر می‌رسد در این زمان، هنوز وقف‌های آموزشی در بین زنان بیشتر مربوط به طبقات مرفه جامعه بوده است. روند تحولات فرهنگی به وجود آمده در جامعه، به مرور و آرام آرام تیلور می‌یافت؛ اما توجه به وقف آموزشی در این زمان، مؤید عملیاتی شدن همین تحولات است که ثمره کامل تر آن در دوره بعد، پهلوی دوم، بیشتر درخور مشاهده بود که موقوفات آموزشی زهرا سلطان فرمانفرمایان (نظام مافی) از آن جمله بود⁷ (ملک‌زاده، 1384: 94 تا 103).

موقوفات بر وعظ و واعظ

وقف بر وعظ و واعظ از دیگر نمونه‌های وقف نامه‌های زنان واقف تهران در دوره پهلوی اول بوده است. در این دوره، نکته جالب این بود که مراسم مذهبی و برگزاری هرگونه مناسک دینی، از جمله مراسم وعظ و نوحه خوانی و عزاداری در ایام محرم و رمضان، با محدودیت جدی و تنبیه‌های اساسی مواجه بوده است؛ اما باین حال، نمونه‌های متعددی از این گونه موقوفات یافت می‌شود که از آن جمله وقف نامه‌ای است که طبق مفاد آن واقف، یعنی «ماه شرف‌خانم درخشانیان»، یک دانگ مشاع از شش دانگ قطعه باغی مشجر مشهور به باغ تخت درویش عبدالله واقع در اواخر صحرای دزج کن به انضمام نیم یک سهم مشاع و همچنین یک دانگ و نیم طوج آب از مجرای نهر بزرگ کن در گردش ده شبانه‌روز را «یک عشر حق متولی و نیم عشر حق ناظر» وقف کرده است که در یک ماهه رمضان یک نفر واعظ دعوت کنند که در یکی

مربوط به تاریخ 31 اردیبهشت 1312 ش/ 21 می 1933 م در دست است که در آن «نادعلی بن فرهاد کوه افکن» از طرف همسرش «شاه جهان خانم»، نصف شش دانگ زمین خرمن واقع در آغشت در ساوجبلاغ را برای امامزاده بی بی قزلقر و نصف دیگر آن را برای عزاداری وقف کرده است (سند شماره 27، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده 1017).

درباره نحوه تخصیص مخارج این اماکن نیز به طور اختصاصی باید به نمونه‌ای اشاره کرد؛ سند وقفی مذکور به یکی از واقفان زن در دوره پهلوی به نام «فاطمه خانم دختر کربلایی خداداد اتیربلاغی» تعلق دارد که یک قطعه زمین کاله واقع در قرب امامزاده اظهرالدین واقع در ساوجبلاغ را برای کاه گل مالی و شمع و روشنایی و مخارج امامزاده اظهرالدین وقف کرده است. تاریخ ایمن وقف اردیبهشت 1306 ش/ می 1927 م است (سند شماره 28، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده 2938).

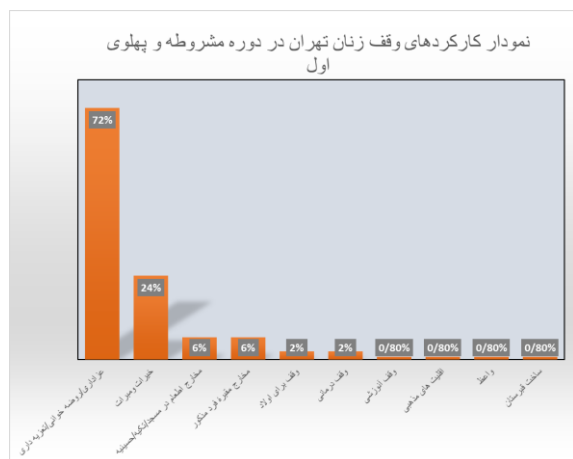
موقوفات آموزشی: در مقایسه با کنش زنان واقف دوران پس از مشروطه، توجه به امر آموزش از موضوعاتی بود که زنان تهران در دوره پهلوی اول به آن توجه می‌کردند و این از دغدغه اساسی ایشان به ارتقای سطح دانش و آگاهی دختران و زنان حکایت دارد؛ از جمله این موقوفات باید به وقف نامه‌ای از «نگین پرنیا» اشاره کرد که طبق مفاد آن، سه خروار گندم را از عایدات شش دانگ قریه کله‌کو و ملک گلشن آباد و ملک مهدی آباد گیلان برای هزینه معلمی وقف کرده است که به اطفال درس دهد. همچنین وقف مقبره مویدالسلطان و میرزاتقی خان در امامزاده تجریش نیز در وقف نامه آمده است. این وقف نامه در تاریخ 2 تیر 1313/ 23 ژوئن 1934 انجام شده است

(برگرفته از آمار موقوفات موجود در سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران)⁸

نتیجه

زنان واقف که بخش مهمی از واقفان جامعه ایران بودند، همواره و در همه ادوار صاحب اثر بودند و در این عرصه نقش مهمی داشتند. با توجه به اسناد بررسی شده، درباره سهم بودن زنان در وقف آثار در دوره مدنظر پژوهش نیز باید ادعا کرد که در مقایسه با گذشته، سهم بودن زنان در امر وقف رشد درخور توجهی یافت؛ به طوری که از اسناد وقفی در دسترس این بازه تاریخی، حدود 24 درصد به زنان تعلق دارد و این رقم در دوره پیش از موضوع این پژوهش تنها 15 درصد بود.

نمودار کارکردهای وقف زنان تهران در دوره مشروطه و پهلوی اول⁹



طی دوره‌های موضوع این بررسی، زنان واقف تهران به مسائل اجتماعی، فرهنگی و مذهبی توجه بسیاری داشتند. با وجود آنکه حضور آنان در جامعه هنوز چندان محسوس و پررنگ نشده بود، به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر فعالیت‌های این حوزه‌ها اثرگذار شدند؛ به این ترتیب که با تخصیص بخشی از دارایی خود برای امور فرهنگی مذهبی و کارهای

از مساجد به منبر برود و موعظه کند «و در سه شب قدر در هر شب لااقل بیست نفر از صائمین را اطعام دهند». تاریخ این وقف‌نامه 3 بهمن 1313/23 زانویه 1935 است (سند شماره 30، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده 313).

ساخت قبرستان

از دوران موضوع بررسی تنها یک سند وقفی با کارکرد ساخت قبرستان در دست است که آن را هم «زهراخاتون همسر حیدر شمشکی» در 10 دی 1319/31 دسامبر 1940 وقف کرده است. در این سند، زهراخاتون قطعه زمینی واقع در لواسانات، در محله پایین شمشک نزدیک حمام را به نام قبرستان عموم مؤمنان وقف کرده است (سند شماره 31، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده 2577).

باتوجه به آنچه گفته شد، کارکردها و مصارف موقوفات زنان تهران در دوره پهلوی اول به صورت زیر نمایش داده می‌شود:

کارکردها و مصارف وقف زنان در دوره پهلوی اول			
شماره	مصرف وقف	تعداد وقف	درصد
1	عزاداری/روضه خوانی/تعزیه داری	27	57/44
2	خیرات و میرات	9	19/14
3	مخارج اطعام در مسجد/تکیه/حسینیه	4	8/51
4	مخارج مقبره فرد مذکور	6	12/76
5	وقف برای اولاد	1	2/12
6	وقف درمانی	3	6/38
7	وقف برای امامزاده	2	4/25
8	وقف آموزشی	1	2/12
9	اقلیت‌های مذهبی	0	0
10	واعظ	1	2/12
11	ساخت قبرستان	1	2/12

دوره‌های بعد، دلیلی بر اثبات این مدعاست.

پی‌نوشت

1. این مقاله مستخرج از رساله‌ای با عنوان «بررسی عملکرد زنان واقف و تأثیر فعالیت آنان از مشروطه تا پایان دوره پهلوی اول (مطالعه موردی زنان واقف تهران)» تحت حمایت بنیاد خیریه راهبری آلا تدوین و نوشته شده است.
2. مردم چین در سال‌های اخیر برای انجام وقف در زمینه صنعتی، علاقه فراوانی از خود نشان داده‌اند و آمار آن روبه رشد است و نقش وقف مردمی آنها در بخش صنعت و بخش زمین برای انجام فعالیت های اقتصادی صنعتی نقشی چشم‌پوشی‌ناپذیر است (Song and others, 2016: 3).
3. آمارهای ارائه‌شده براساس بررسی اسناد موجود در سازمان اوقاف و امور خیریه است.
4. لغت‌نامه دهخدا: [ی بُت ت ی] (ع ص مرکب، ا مرکب) آنکه به نیابت متولی تولیت موقوفه‌ای را تعهد کند.
5. تمام آمارهای ارائه‌شده در دوره مدنظر، براساس بررسی اسناد موجود زنان واقف شهر تهران در سازمان اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه است.
6. برای اطلاعات بیشتر: (ر. ک. سالک، محمدتقی، (1372)، سخنی درباره وقف و نگاهی به موقوفه غلامی، میراث جاویدان، اداره اوقاف و امور خیریه، ش 2، ص 40 تا 45).
7. ملک‌زاده در مقاله‌ای به نام «اقدامات خیریه و موقوفات زهراسلطان نظام مافی»، اقدامات و موقوفات زهراسلطان نظام مافی را تشریح کرده است.
8. تمام آمارهای ارائه‌شده در دوره مدنظر، براساس بررسی اسناد موجود زنان واقف شهر تهران در سازمان اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه است.
9. تمام آمار و جدول‌ها در دوره مدنظر را نگارندگاه عام‌المنفعه، بر روند اجرای این امور تأثیر گذاشتند. زنان واقف دانسته یا نادانسته از جریان‌های حاکم بر روح جامعه پیروی می‌کردند؛ پس با دگرگون‌شدن نظام اجتماعی و فرهنگی و همچنین فراگیرشدن موجی از تجددخواهی و نوگرایی در جامعه و وضعیت جدیدی که وقف را نیز بی‌نصیب نگذاشت، زنان با نوع موقوفات خود و شروطی که برای آن قرار می‌دادند، در این جریان‌ها مؤثر بودند. ورود بیش‌ازپیش زنان به عرصه وقف در این محدوده زمانی و مکانی، از برداشته‌شدن گام مهمی در جهت مشارکت زنان در عرصه فعالیت‌های اجتماعی نشان دارد؛ به‌ویژه در دوره پهلوی اول. حوزه بهداشت و درمان از جمله نمونه‌هایی بود که زنان در آن حوزه وقف کردند. هدف آنان نیز اقدام در امور عام‌المنفعه به‌منظور رفع مشکلات بهداشتی و درمانی بود که در قالبی نوین و مدرن، نظیر تأسیس بیمارستان، صورت می‌گرفت. آموزش حوزه دیگری بود که زنان تهران در بازه موضوع بررسی و به‌ویژه دوره پهلوی اول کارکرد موقوفات خود را به آن تخصیص می‌دادند. این امر از دغدغه آنان به ارتقای سطح دانش و آگاهی دختران و زنان ناشی می‌شد. براین‌اساس چه در غالب تأمین هزینه آموزش و تحصیل و چه در غالب تأسیس مدارس، موقوفاتی در این زمینه صورت گرفت. ساخت قبرستان حوزه دیگری بود که در دوره پهلوی اول، زنان تهران از طریق موقوفات در آن وارد شدند. تمامی این سه کارکرد که این نمونه‌ها را ذیل امور عمرانی عام‌المنفعه قرار می‌دهد، از اندیشه مسئولیت اجتماعی فرد در برابر جامعه نشئت می‌گرفت. در این دوره‌ها هنوز کارکردهای موقوفات تفاوت چشمگیری با دوره‌های پیشین پیدا نکرده بود؛ اما همان تعدادی که وجود دارد، خود گواه بر واردشدن وقف زنان به عرصه نیازهای جدید اجتماعی است که از تحول در نگرش و تغییرات و مطالبات آرام‌آرام جامعه حکایت دارد. براین‌اساس، غالب و بیشترشدن این قبیل موقوفات جدید در

- براساس بررسی اسناد موجود زنان واقف شهر تهران در سازمان اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه تهیه کرده‌اند.
- کتابنامه**
- الف. اسناد**
- . سند شماره 1، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده 700.
- . سند شماره 2، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده 2855.
- . سند شماره 3، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده 136.
- . سند شماره 4، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده 2410.
- . سند شماره 5، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده 2287.
- . سند شماره 6، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده 2267.
- . سند شماره 7، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده 2802.
- . سند شماره 8، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده 634.
- . سند شماره 9، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده 966.
- . سند شماره 10، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده 2875.
- . سند شماره 11، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده 114.
- . سند شماره 12، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده 239.
- . سند شماره 13، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده 90.
- . سند شماره 14، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده 258.
- . سند شماره 15، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده 475.
- . سند شماره 16، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده 186.
- . سند شماره 17، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده 186.
- . سند شماره 18، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده 2232.
- . سند شماره 19، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده 470.
- . سند شماره 20، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده 257.
- . سند شماره 21، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده 953.
- . سند شماره 22، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده 2205.
- . سند شماره 23، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده 45.
- . سند شماره 24، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده 585.
- . سند شماره 25، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده 585.
- . سند شماره 26، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده 821.
- . سند شماره 27، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده 1017.
- . سند شماره 28، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده 2938.
- . سند شماره 29، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده 2231.

شهرستان‌های بیرجند، سریشه و درمیان، همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی، اصفهان، ج 3، (مجموعه 4 جلدی)، تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه و اسوه.

. خسروی، محمدعلی، (1374)، موقوفات زنان در ایران، فصلنامه وقف میراث جاویدان، س 3، ش 10. صفحه؟

. سالک، محمدتقی، (1372)، سخنی درباره وقف و نگاهی به موقوفه غلامی، فصلنامه وقف میراث جاویدان، ش 2.

. مطبعچی، سیدمصطفی، (آبان 1387)، جایگاه وقف در تحولات اجتماعی ایران: دوره قاجاریه، همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی، اصفهان، ج 3، (مجموعه 4 جلدی)، تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه و اسوه.

. ورنر، کریستف، (1378)، زنان واقف در تهران عهد قاجار، ترجمه نسیم مجید قهرودی، فصل نامه وقف میراث جاویدان، س 7، ش 28.

د. پایان‌نامه

. بهرآبادی، حجت، (1391)، نهادهای خیریه و وقفی علی‌آباد کتول در عهد قاجار و پهلوی، به راهنمایی محمد رادمنش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.

. دارایی‌نیا، شهناز، (1388)، کارکرد نهاد وقف در استان کرمانشاه در دوره قاجار، به راهنمایی نزهت احمدی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات، زبان‌های خارجی و تاریخ دانشگاه الزهراء.

ه. منابع لاتین

- . Heap shaun and others, (2016), Endowment inequqlity in public goods, economiletters, kings college: London.
- . Song malin and others, (2016), coal endowment resourse and high coal consuming idustries, resources, conservation and recycling: university

. سند شماره 30، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده 313.

. سند شماره 31، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده 2577.

ب. کتاب

. ابوسعید، احمدبن سلمان، (1358)، مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف، سازمان اوقاف و امور خیریه.

. اتحادیه، منصوره، (1388)، زنانی که زیر مقنعه کلاه‌داری نموده‌اند؛ زندگی ملک‌تاج‌خانم نجم السلطنه 1311-1233 ش/ 1350-1270 ق، تهران: تاریخ ایران.

. امیدانی، سیدحسین، (1385)، تأثیر موقوفات در شکل‌دهی فضاهای شهری، تهران: فرهنگ و پژوهش.

. ساعتی، یحیی محمود، (1374)، وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی، برگردان احمد امیری شادمهری، مشهد: پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

. سلیمی فر، مصطفی، (1370)، نگاهی به وقف و آثار اقتصادی- اجتماعی آن، مشهد: آستان قدس رضوی.

. شاه‌حسینی، پروانه، (1390)، وقف‌شناسی تهران از شهری اسلامی تا شهری مدرن، مشهد: پاپلی.

. ملک زاده، الهام، (1385)، نگاهی به امور خیریه در دوره قاجار، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری.

. -----، (1392)، مؤسسات خیریه رفاهی- بهداشتی در دوره رضاشاه، تهران: تاریخ ایران.

. ویل دورانت، (1385)، لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب‌خوئی، تهران: علمی فرهنگی.

ج. مقاله

. جعفرزاده، طاهره، (آبان 1387)، نقش وقف زنان در توسعه اجتماعی و فرهنگی؛ مطالعه موردی:

of anhui china.